

کالبدشکافی مسائل انتخاباتی در ایران ۱

رژیم نمی تواند به مطالبات مردم پاسخ دهد ✘

چهارشنبه ۱۴ بهمن ۱۳۸۸ - ۳ فوریه ۲۰۱۰

دهمین دوره انتخاباتی ریاست جمهوری در ایران یکی از بی سابقه ترین انتخابات شکل گرفته در 30 سال اخیر بود. در حال حاضر رژیم جمهوری اسلامی در وضعیتی آشفته قرار دارد که از طرفی قادر به پاسخگویی مطالبات مردم نیست و از طرف دیگر با ایجاد فضای رعب و وحشت و شکنجه و اعدام سعی دارد جو جامعه را به نفع سیاستهای خود آرام نگه دارد.

“ندای آزادی” در نظر دارد که از صاحب نظران و فعالین سیاسی برای تحلیل و تشریح وقایع انتخاباتی دعوت کرده و مسائل اخیر ایران را از طریق انعکاس دیدگاههای مختلف بازتاب دهد و در همین راستا و در گام نخست مصاحبه ای با “نواز مصلی نژاد” فعال سیاسی و عضو جنبش جمهوری خواهان دمکرات و لائیک ایران انجام داده است.

این فعال سیاسی مهمترین مساله را پاسخ به مطالبات معوقه مردم می داند که از آغاز جنبش مشروطه خواهی تا کنون مورد بی توجهی قرار گرفته است اما چون این مساله با پایه و اساس رژیم جمهوری اسلامی تفاوت دارد پاسخ به مطالبات مردم در قالب رژیمی مردمی و لائیک انجام پذیر است.

و اینک مشروح مصاحبه:

چرا رژیم به موسوی اجازه داد که وارد بازی های انتخاباتی شود؟ فضای انتخاباتی در آن زمان چگونه بود؟

به علت اینکه تبلیغات رسانه های خارج کشور بر علیه رژیم شدید بود و اغلب تبلیغات روی این نکته متمرکز بود که در ایران انتخابات آزاد وجود ندارد و ایران را یک دیکتاتوری اداره می کند، اجازه دادند که برای خنثی کردن این تبلیغات فضای دیالوگ و تبلیغات باز باشد کما اینکه زمانی انتخابات آزاد در یک کشور معنی می یابد که تمام شهروندان اعم از مسلمان و غیر مسلمان، دین دار و بی دین و... بتوانند انتخاب کنند یا انتخاب شوند ولی صرف نظر از همه اینها رژیم فضایی را به نمایش گذاشت که گویا انتخابات آزاد است و دیدیم

که شورای نگهبان از میان انبوهی از کسانی که خود را کاندیدا کرده بودند تنها صلاحیت 4 نفر را به رسمیت شناخت. در آن فضا هرچند تبلیغات انتخاباتی صورت می گرفت اما این مساله در محدوده عناصر تعیین شده و تایید شده از طرف حکومت بود.

اصلاح طلبان ابتدا کاندیدای خود را سید محمد خاتمی معرفی کردند. تصور اصولگرایان و در راس آنان سید علی خامنه ای این بود که اگر خاتمی وارد عرصه انتخابات شود مثل قبل حجم بزرگی از مردم ایران به وی رای خواهد داد و امکان اینکه این رای گیری را به رسمیت نشناسند وجود نخواهد داشت یا فضا به شدت ملتهب خواهد شد که در نتیجه آن امنیت رژیم به خطر خواهد افتاد لذا اصولگرایان به خاتمی توصیه کردند که خود را کاندیدا نکند. پس اصلاح طلبان مجبور شدند به سراغ میر حسین موسوی و مهدی کروبی بروند. اصولگرایان تصور نمی کردند که مردم نسبت به موسوی که 20 سال از صحنه سیاست ایران دور بوده، اقبالی نشان دهند. اصولگرایان تصور می کردند که حتی اگر موسوی با درصد ناچیزی برنده انتخابات شود آنها می توانند با تقلب وی را کنار بزنند و کاندیدای مورد نظر خود را سرکار بیاورند ولی دیدی که تمام محاسبات آنها غلط از آب درآمد و نسل جدید با وجودی که شناخت عمیقی از موسوی نداشت برای تقابل با اصولگرایان به ویژه خامنه ای فعالانه در تبلیغات انتخاباتی شرکت کردند و فضای عمومی جامعه را به نفع موسوی دگرگون کردند.

در شب آخر اعلام نتایج چه اتفاقی افتاد که موسوی اعلام کرد برنده انتخابات است مگر در انتخابات تقلب شده باشد؟

با اقبالی که مردم نشان دادند و تعداد بسیار وسیعی (80 درصد) که در انتخابات شرکت کرده بودند، موسوی متوجه شده بود که فضا و جو عمومی به نفع وی عمل خواهد کرد. موسوی گزارشاتی نیز از حوزه های مختلف انتخاباتی دریافت کرده بود و اینها دال بر این بود که برنده انتخابات است. نه تنها موسوی بلکه افراد عادی مملکت نیز قبل از شمارش آرا بر این باور بودند که موسوی برنده انتخابات است و به هیچ وجه فکر نمی کردند تقلبی در آن سطح وسیع انجام گیرد، این بود که موسوی می دانست برنده انتخابات است.

چگونه بود که احمدی نژاد از صندوق های رای بیرون آمد؟

این موضوع برمی گردد به مسائلی که باید بطور عمیق بدان توجه کرد. از یکطرف منازعات درونی رژیم و از طرف دیگر منش و شخصیت احمدی نژاد باید مورد بررسی و مطالعه عمیق قرار گیرد. احمدی نژاد از نظر شخصیتی بیشتر خود را تابع می بیند تا تصمیم گیرنده. اتاق فکر

خامنه ای و سپاه تصمیم گیرنده اصلی هستند و احمدی نژاد تنها مجری است و در واقع آنها دنبال چنین شخصیتی بودند که درباره سیاستهایشان و عملکردشان اما و اگر نداشته باشد و در بست مجری اوامر باشد کما اینکه در درون خود رژیم حتی در بین اصولگرایان و در چارچوب قوانین و ساختار جمهوری اسلامی افراد موجه تری بودند ولی بطور نسبی یک استقلال رای و نظر برای خود قائل بودند و احمدی نژاد فاقد چنین ویژگی بود و تصور خامنه ای و نزدیکانش این بود که احمدی نژاد بی دردسرتتر از بقیه حتی فردی مثل محسن رضایی است.

پیش بینی رژیم از عکس العمل مردم پس اعلام نتایج انتخابات چه بود؟
سوال بسیار خوبی است. خامنه ای هرگز پیش بینی اعتراضات جدی را نمی کرد چون بر این تصور بود که اصلاح طلبان هر چند ناراضی و نسبت به عملکرد وی (خامنه ای) معترض باشند ولی به شدت از ملتهد شدن فضا و به خطر افتادن نظام سیاسی وحشت دارند و برای حفظ جمهوری اسلامی مردم را به صحنه نمی آورند چون به تعبیر ناطق نوری که چند سال پیش گفته بود "همه در یک کشتی نشسته ایم و اگر کشتی سوراخ شود همه غرق خواهیم شد" خامنه ای چنین محاسبه می کرد که اعتراض اصلاح طلبان فراتر از نقد رسانه ای نخواهد رفت لذا دست خود را برای تقلب گسترده و اساسا بیرون آوردن کاندیدای مورد نظر خود از صندوق های رای باز می دید و حتی در این مورد برای ناظران خارجی هم جای شگفتی بود که چگونه اصلاح طلبان اینبار جرات به خرج دادند و مردم را به خیابانها آوردند .

چرا خامنه ای انتخابات را باطل اعلام نکرد؟

شما اگر به ساختار جمهوری اسلامی و نحوه حکومت کردن حاکمان این رژیم توجه کنید متوجه می شوید که بنیانگذار جمهوری اسلامی همیشه و تا وقتی زنده بود حتی در وصیتنامه خود توصیه می کرد که در برابر مخالفان کوتاه نیایند و با شدت عمل برخورد کنند. معمولا وقتی ساختار استبدادی باشد اگر مستبد از مواضع خود یک قدم عقب نشینی کند و از شدت عمل نسبت به مردم دست بردارد خواسته ها و مطالبات گسترش پیدا کرده و اساس استبداد و دیکتاتوری به خطر می افتد و خامنه ای این مساله را دقیقا می دانست و از چند سال پیش به نیروهای تحت امر خود مرتبا موعظه می کرد: "النصر بالرب". بنا براین خامنه ای بنا به مقتضیات سیستم استبدادی بنا را بر ایجاد وحشت گذاشته و از این به بعد هم خواهد گذاشت مگر اینکه مردم توازن قوا را به سود خود تغییر دهند.

اگر خامنه ای می خواست صدای مردم را بشنود این صدا حامل مطالبات

معوقه 30 ساله یا حتی 150 ساله است چون هنوز مطالباتی که بر اساس آن نهضت مشروطه خواهی شکل گرفت بی پاسخ مانده است.

خواسته مردم چه بود آیا آمده بودند رای خود را پس بگیرند؟
30 سال حاکمیت جمهوری اسلامی هرگز به خواسته ها و مطالبات مردم پاسخ نداده است. می دانید که انقلاب بر پایه یکسری مطالبات پاسخ داده نشده شکل گرفت. هدف و خواست مردم از انقلاب تامین معیشت، آزادی و برقراری عدالت و اساسا از بین رفتن فقر و نداری، داشتن بهداشت متعارف و قابل قبول و امثال اینها بود و بر اساس اینها بود که انقلاب انجام شد ولی متاسفانه نظامی قدرت را به دست گرفت که نه تنها به این خواسته ها پاسخ نداد بلکه چیزهایی را هم که مردم برای بدست آوردنش در نظام پادشاهی مبارزه کرده بودند از دست آنها گرفت مثلا آزادی پوشش و یکسری آزادی های اجتماعی لذا خواست مردم چه در مقطع انتخابات و چه قبل از آن و چه هم اکنون داشتن امکان امرار معاش مطلوب، مسکن و آزادی های فردی سیاسی اجتماعی است و تا زمانی که مردم به خواست خود نرسیده اند و تا وقتی که حاکمیت، مردم را که صاحبان اصلی این سرزمین هستند تحقیر می کند، اعتراضات ادامه خواهد یافت و دیر نخواهد بود که مردم توازن قوا را به سود خود تغییر خواهند داد.

راهکارهای رژیم برای بیرون آمدن از بحران پیش آمده چیست؟
راهکار واقعی پاسخ به مطالبات مردم است. خامنه ای در محاسبه خود اشتباه می کند که تصور می کند با سرکوب و جنایت و تجاوز و آدم کشی می تواند مردم خشمگین را مهار کرده و به این صورت به حکومت خود ادامه دهد. چنین چیزی امکانپذیر نیست همچنانکه شاه صدای انقلاب مردم را شنید ولی بسیار دیر، خامنه ای و هواداران ایشان باید صدای مردم را بشنوند که به نظر من نخواهند شنید و بسیار بعید است که بشنوند یا مثل شاه دیر خواهند شنید. اگر خامنه ای قدرت را به مردم واگذار کند و یک انتخابات آزاد بر اساس یک سیستم دموکراتیک در ایران انجام پذیرد قطعا ازخسونت بیشتر اجتناب شده است و رژیم بصورت مسالمت آمیز کنار رفته و به جای آن یک سیستم بر اساس دموکراسی، حقوق بشر و لائسیته شکل خواهد گرفت چون هم اکنون خواست عمده مردم به ویژه جوانان، سیستمی بر پایه دموکراسی وجدایی دین از دولت است.

من فکر می کنم که سردمداران این رژیم چنین مسالمتی را نشان نخواهند داد و آینده آستن حوادث بسیار متنوعی است که ابعاد آن چندان قابل پیش بینی نیست که امیدوارم شرایط به گونه ای باشد که سمت و سوی خسونت به خود نگیرد که اگر هم فضا به طرف خسونت متمایل

شود قطعا مسولیت آن به عهده گردانندگان رژیم به ویژه خامنه است.